



شهر و شعر و زندگی در ادبیات - توکیو

شهر و شعر

نوعی شیرینی می‌گیرد که به‌ویژه دختر بچه‌های مدرسه‌ای را بسویار جذب می‌کند. آنها اعصاب او را خرد می‌کنند جز یک نفر که سکوت می‌کند، سمش واکانا است و در نظر دارد مدرسه را ترک و در مغازه کنار او کار کند. روزی پیرزنی به نام توکو که جذب درخت‌های گیلاس شده بود، خود را معرفی می‌کند و آهنگی روزنامه را نشان می‌دهد، او می‌خواهد کار کند حتی در ازای حقوقی ناچیز. رئیس او به یک دورآبایی می‌دهد و او را دست به‌سپر می‌کند. او با یک نمونه از شیرینی‌های لوبیافرماز مخصوص خود برمی‌گردد و به تحسین درخت‌های گیلاس پر از گل ادامه می‌دهد. سننارو گرچه هرگز نمی‌توانست یک دورآبایی را کامل بخورد، چون شیرینی‌اش را دوست نداشت و خود با محصولات صنعتی کار می‌کرد اما در نهایت آن را پذیرفت. فردای آن روز دید مشتری‌ها دور او بر شدند و این راز توکو بود. پیرزنی با انگلستان سحرآمیز از ریخت افتاده. او بسیار بید و تقریباً ۲۶ سال داشت، بسیار شکننده و ناخوش با داستانی مجالده شده. سننارو پذیرفت او را استخدام کند اما توکو دستور غداش را که سخت و طولانی بود به او تحمیل کرد. مشتری‌ها جمع می‌شدند تا دوباره سفارش دهند. واکانا و توکو با هم جرو و جدایی داشتند. شایعه پخش شد و مشتری‌ها بحث می‌کردند. اما حضور فعال توکو مشکل ایجاد کرده بود. دست‌های ناخوش او، آدرش، همه چیز نشان می‌داد که او از قدیم مبتلا به جذام بوده و صاحب آن‌جا انتظار داشت او برود. سننارو بسیار می‌نوشید تا فراموش کند. توکو یک روز تمام جای او ایستاد. شایعه پخش شد و مشتری‌ها تک‌تک پا به فرار گناشتند. سننارو این کار را گرفته بود تا بدهی بزرگش را ابروداز: پس باید اطاعت می‌کرد. از او خواست بر گردد به خانه‌اش. پیرزن رفت و افرادی سالخورده که می‌خندیدند به‌جای عجب بود با قفسی‌اش از خانه فرار کرد و به دنبال این بود که آن‌را در خانه سننارو و پیش توکو بگذارد. اتوبوسی خورده که می‌خندیدند آسایشگاه مسولین پیاده کرد، آن‌جا بیمارستان قدیمی جذامیان بود، دنبایی جدا مثل روستایی قدیمی و فراموش شده، منطقه‌ای ممنوعه، پر از درختان بلند و افرادی سالخورده که می‌خندیدند و کار می‌کردند. در سالن اجتماعی که شبیه یک چایخانه بود آنها توکو را ملاقات کردند. پیرزن خسته به‌نظر می‌رسید اما از این که آنها را دوباره می‌دید خوشحال بود. به آنها دوست قدیمی‌اش به فروش دورآبایی کشید اما وقتی نامه را برد به واکانا برساند، متوجه شد پیرزن سه روز قبل بر اثر ذات‌الریه مرده است. توکو برای اولوالم آسبیزی‌اش این رمان انعکاس اندیشه جامعه‌ای را به تصویر می‌کشد و شهر توکیو همراه با رفتار پرسوناژهای داستان به آن جلوه خاصی بخشیده است.

*** استاد دانشگاه و دکتری زبان و ادبیات فراتسه

عنوان جنگ زیرزمینی، به مسأله مذهب و تعصب پرداخته و حمله فرقه انوم با گاز به مترو توکیو را بررسی کرده است. در این کتاب نیز این مسأله مطرح می‌شود. در فرهنگ عامه‌ای برای نسل من: ماقبل تاریخ مرحله متأخر سرمایه‌داری که یکی از داستان‌های کتاب جاقوی شکاری است، مورا کامی به توصیف توکیو می‌پردازد. در بهار ۱۹۶۷ پسره وارد دانشگاه توکیو شد. زندگی در توکیو توأم با تنهایی بود. شهر کثیف بود و غذا بد و مردم خشن. او مدام به فکر دختره بود و شب‌ها در اتاقش پناه می‌گرفت و نامه پشت نامه برای دختره می‌نوشت. در این فصل از شیناگاو و عشقی خاموش در محله شیروگانندی می‌گوید و در داستان خور هنلی از همین کتاب نیز نیمی از ماجرا در توکیو می‌گذرد. ساجی به توکیو بود که گشت، به امکاناتی که زندگی به رویش می‌دهد بود فکر کرد، اما پایان‌زمن تنها راهی بود که می‌توانست از طریق آن زندگی کند. در داستان کوتاه بعدی با نام روز تولد می‌نویسد: محل کار دختر یکی از معروف‌ترین رستوران‌های ایتالیایی

در محله تونی روونگی توکیو بود. پنجره مشرف به برج توکیو در آن نزدیکی بود که خطوط اسکلت فولادی‌اش در نور دیده می‌شد. همه ماجراهای داستان‌های عجیب توکیو به جز یک داستان که در یکی از جزایر هابویی اتفاق می‌افتد، در محلات شهر توکیو رخ می‌دهند. در مجموعه پس‌لرزه نیز او خشونت پنهان زیر پوسته ژاپن مدرن را کشف می‌کند: کاتاکیری از سرکار بر می‌گردد و در خانه‌اش با قورباغه عظیم‌الجثه‌ای برخورد می‌کند. قورباغه ادعا می‌کند مأموریت دارد توکیو را از شر کرم غول‌پیکری نجات دهد. او می‌گوید: وقتی کرم عصبی می‌شه، زلزله در دست می‌کنه و الان هم خیلی عصبانیه.

مورا کامی در داستان پس از تاریکی نیز مخاطب را به گردشی شبانه در شهر توکیو می‌برد و فضای سردی را روایت می‌کند که شخصیت اصلی آن تمام زندگی‌اش را صرف درس خواندن کرده تا بسیار ضعیف‌هایش را بیوشاند. این رمان نه‌چندان بلند، زندگی شبانه توکیو را در عصر تسلط تکنولوژی دیجیتال و غرق شدن شهری در میان چراغ‌های نئون روایت می‌کند و روان آدم‌هایی سرسخته و مبهوت را که در چندین چنین فضا و مکانی اسیرند می‌کاود. چشم‌ها شکل شهر را مشخص می‌کنند. چشم‌ها یا نگاه دیگری آن چیزی است که به شهر و آدم‌هایش شکل می‌دهد و آنها هر کجا که بروند تاریخ را میدان دید او نیستند. مورا کامی در تمامی رمان، با فاصله‌گذاری با خواننده‌اش، دوربین به دست به‌همراه جوار می‌شود و تمامی صحنه‌ها را با جزئیات تمام شرح می‌دهد، شکل روایتی که بیشتر از هر فرمی از رمان توان تأثیر پذیرفته است.

دوریان سوکه‌گاو دوریان سوکه‌گاو، شاعر، طنز پرداز و نویسنده ژاپنی سسال ۱۹۶۲ در توکیو به دنیا آمد. او دبیرم فلسفه و همچنین از مدرسه شیرینی‌پزی ژاپن مدرک گرفت. بعد از شغل فیلم‌نامه‌نویسی در ۱۹۹۰ او جامعه شعریایی که فریاد می‌زند را پایه‌گذاری کرد و در اجراهای اصلی خواندن اشعار را با موسیقی‌های به‌خصوص پیوند داد. سپس از سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ در رادیوی ملی، برنامه شبانه‌سپار از رزمندی توسط جوانان هدایت می‌کرد. او نویسنده رمان‌ها و مقاله‌های بسیاری است که با موفقیت‌های زیادی در ژاپن رویه‌رو شدند. غذاهای خوشمزه توکیو نخستین رمان او است که نانومی کواسه، دوست قدیمی‌اش قبل از تمام‌شدن آن شروع به ساخت فیلمی براساس این رمان کرد.

غذاهای خوشمزه توکیو همان‌طور که از نامش پیاداست، در شهر توکیو می‌گذرد. مردی حدوداً ۴۰ ساله به نام سننارو و تنها یک‌مغازه کوچک دورآبایی -

زهر انوروزی «در آثار ادبی ژاپن بسیار به شهر توکیو پرداخته شده است. توکیو پایتخت کشور ژاپن، شهر آسمان خراش‌ها، مراکز تجاری متعدد و معابد زیبایی است که رودخانه سومیدا از میان آن می‌گذرد. این شهر که تا پیش از اواسط قرن نوزدهم، یک دهکده ماهیگیری کوچک به نام ادو بود، در دوره باکوماتسو، بین سال‌های ۱۸۵۲ و ۱۸۶۷ جمعیت بزرگی از ساکنانش را ساموایی‌ها تشکیل می‌دادند که ۱۰۰ درصد آنها باسواد بودند، به همین علت نرخ سواد بین مردان ادو در این دوران جدیدی در این دوره وارد ادبیات ژاپن شد. اکنون توکیو پس از نیویورک و لندن عنوان بزرگترین پایتخت صنعتی جهان را به دست آورده است. این شهر که بارها به‌خاطر زمین‌لرزه، آتش‌سوزی یا جنگ به‌طور کامل ویران و هر بار با زیبایی بیشتر از نو ساخته شده، به همین سبب چشم‌انداز کنونی آن با معماری معاصر بسیار مدرن و جذاب به نظر می‌رسد و اطلاعات و فرهنگ لازم برای زندگی کردن در آن رو به گسترش است.

با این وجود شهری تاریخی و وارث فرهنگ سنتی نیز هست. در خشش شهر توکیو در آثار ادبیایی چون ناسومو سوزکی، هاروکی مورا کامی و دوریان سوکه‌گاو که از مشهورترین نویسندگان ژاپن محسوب می‌شوند، چشم‌هر خواننده‌ای را خیره می‌کند. بسیاری از ماجراجویی‌های قهرمانان آثار نویسندگان مشهور ژاپنی نیز در بزرگترین پارک‌های توکیو، پارک یادبود شووا، میزومو و یا کاسای رینکای، جزایر ایزو و آگاساوارا و در پارچه‌های او کوما تا و ناما به وقوع می‌پیوندد. در این مقاله به تأثیر این شهر افسانه‌ای بر نوشته‌های بزرگان ادبیات ژاپن پرداخته‌ایم.

بید ناپینا، زن خفته و بعد از زلزله «نام برد. هاروکی مورا کامی که به سوره نالیسم و پست‌مدرنیسم گرایش داشت همواره در آثارش به موقلاتی چون بحران هویت و رابطه، سقوط ارزش‌های انسانی، خلأ معنویات و تأثیرات مخرب ذهنیت معطوف به کار در جامعه ژاپن می‌پردازد.

در کتاب «ژ» که شرح حصر می‌زنم از چه حرف می‌زنم»، که شرح خاطرات و سفرهای اوست، شهر توکیو نقش پررنگی دارد. بعد از بستن بار چون می‌خواستم کل شیوه زندگی‌ام را تغییر دهم به ناراشینو در منطقه چیبا رفته بودیم. در آن زمان حالت حومه شهر را داشت و از امکانات ورزشی در دست و حسایی در آن خبری نبود. ولی تا دلتان بخواهد خیابان و جاده داشت. یک پایگاه نظامی نیروهای دفاع در آن حوالی بود و به همان دلیل که منسیرهای تردد آن دوروبر خوب می‌رسیدند. خوشبختانه یک زمین تمرین هم، متعلق به دانشگاه نیپون، نزدیک خانه ما بود که اگر صبح‌ها می‌رفتیم، تردان آن دوروبر خوب می‌رسیدند. زود می‌جنبیدم می‌توانستم موقت - یا شاید بهتر باشد بگویم بدون اجاره - از پیست آن استفاده کنم. بنابراین برای انتخاب دو به‌عنوان ورزش دلخواه‌م یاد می‌کردم زحمت نندادم. البته معنایش آن نیست که خیلی هم حق انتخاب داشتم. از سپیده‌دم می‌گویم و طلوع آفتاب در کمین، از شیب جاده‌ها و ارتفاع ماه مه در مسابقه ۱۵ کیلومتری دور در پارچه پاماتا کا شرکت کردم و در ماه ژوئن در مسابقه دور کاخ نویسنده «پینبال»، نخستین قسمت از سه‌گانه موش رمان «پینبال»، نخستین قسمت از سه‌گانه موش صحرایی را منتشر کرد. در سال ۱۹۸۱ بار جازش را فروخت و نویسنده‌گی را پیشه حرفه‌ای خود ساخت.

در سال ۱۹۸۲، رمان «تعقیب گوسفند وحشی» از او منتشر شد که در همان سال جایزه ادبی نوما را دریافت کرد. در اکتبر ۱۹۸۴ به شهر کوچک فوجیستساوا در نزدیکی کیوتو نقل مکان کرد. در سال ۱۹۸۵ کتاب «سوزمین عجایب بی‌روح و پایان دنیا» را منتشر کرد که جایزه جونجیچی را گرفت. رمان «جنگل نروزی» که در سال ۱۹۸۷ منتشر شد. در سال ۱۹۹۱ به پرینستون نقل مکان کرد و در دانشگاه پرینستون به تدریس پرداخت. در سال ۱۹۹۳ به شهر سانتا آنا در ایالت کالیفرنیا رفت و در دانشگاه هاوارد تفت به تدریس مشغول شد.

او در سال ۱۹۹۶ جایزه بیوموری را گرفت و در ۱۹۹۷ رمان «زیرزمین» را منتشر کرد. در سال ۲۰۰۱ به ژاپن بازگشت. از آثار دیگرش می‌توان از «کافکا در کرانه، سال ششم پرند کوی، پس از تاریکی، رقص رقص، جنوب مرز غرب خورشید، معشوقه اسپونتییک، فیل غیب می‌شود،

اوانسان شوم کوچک چون بنفشه‌ای... می‌شود یا دوبار متولد گردم!

و سایه‌خزان برمی‌خیزد از روشویی هر آنگاه که چهره می‌شویم.

شهر توکیو در رمان «بوتچان» که در ۱۹۰۶ منتشر شد، بسیار نقش آفرینی می‌کند. این رمان کوتاه یکی از محبوب‌ترین رمان‌های ژاپن است. هر دانش آموز ژاپنی آن‌را در دوران مدرسه خوانده است. این رمان اتوبیوگرافیک به پایان قرن ۱۹ ژاپن، نخستین نسل پس از احیای امپراتور میجی برمی‌گردد و درهای کشور به‌زودی به روی جهان باز و دوران جدیدی آغاز می‌شود که از بیست‌وسوم اکتبر ۱۸۶۸ تاسی‌ام ژوئیه ۱۹۱۲ ادامه دارد.

بوتچان، تیمی بسیار جوان است، اهل دعوا و تنر است که در توکیو زندگی می‌کند، او محبت و تنها در خانه کیو، خدمتکار خانواده می‌یابد. این پسر شهرنشین که در نخستین کارش به‌عنوان استاد ریاضی به مدرسه‌ای در شهرستان فرستاده شده، مثل نویسنده یا در دسرهای دانسیا جوان و توطئه‌های همکارانش رویه‌رو می‌شود. مدرسه قوانین سخت و خشکی دارد، کلاس‌ها با صدای شیپور آغاز می‌شوند، استادان هر یک به دیگری حسادت می‌کنند و انتظار دارند که همه به آنها احترام بگذارند. او به آنها لقب می‌داد، با یکی از همکاران که ملقب به جوجه‌تیغی بسود، ارتباط دوستی برقرار کرد. آن‌جا احساس راحتی نمی‌کرد و به پایتخت بازگشت. دیگران او را سطیح و خودخواه می‌یافتند و او میان روستاییان احساس می‌کرد تبعید شده است.

نیز میان مدراس به مناسبت جشن پیروزی ژاپن بر روسیه، پایان شغل استادی او را در شهرستان رقم زد و در روزنامه محلی اعلام شد، جوانی غریبه و بی تجربه که اخیراً از کشتی توکیو پیاده شده و شاگردان ما را این مردمان جوان سربزراه و مؤدب را برای ایجاد دسر جوانی می‌کرد، جای بسی خوشحالی است که استفاده از او به توکیو باز می‌گردد. سوزکی در این رمان توکیو را با روستایی که در آن تدریس می‌کند در تقابل قرار می‌دهد و نقد جامعه ژاپن می‌پردازد.

«من یک گربه هستم» رمانی است که ابتدا از سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۶ به‌صورت پاورقی در مجله ادبی هوتو توکیو منتشر شد. وقایع این رمان نیز در شهر توکیو به وقوع می‌پیوندد. استاد جوانی در دوران میجی گربه‌ای را به خانه‌اش راه می‌دهد. گربه شاهدهی ساکت و شوخ‌طبع، ناظر و وقایع‌نگار تمام اتفاقات دنبای کوچک انسان‌های کله‌پوکی است که استاد دوره کرده‌اند. او زندگی را کنار کسی که خود را با این دنیا هماهنگ کرده، می‌آموزد: استاد بزرگ‌ادبیات انگلیسی استاد کوشامی.

این رمان در میان کلاسیک‌های ادبیات ژاپن شکل می‌گیرد. خطوط ابتدای رمان در ژاپن بسیار معروف هستند: من یک گربه هستم. نام دیگری ندارم. هیچ نظری ندارم که کجا به دنیا آمده‌ام. این گربه در باغچه استاد کوشامی در توکیو پیدا می‌شود. استاد او را می‌پذیرد و تبدیل به گربه خانگی‌اش می‌شود. گربه بسیار به خود می‌بالد و اغلب شایسته رفتاری است که همه با او دارند. به‌سرعت انسان‌ها را مانند جانوران عجیب‌وغریب می‌بینی قضاوت می‌کند اما از طرفی به‌طور حیرت‌آوری با فرهنگ است و از نوعی علم مطلق و جامع بهره می‌برد.

به‌تدریج در میان رمان پرسوناژها بیش از پیش کاریکاتوروار، یکی پس از دیگری در خانه کوشامی رژه می‌روند و این جاست که فرصت مناسبی برای شرح جامعه ژاپن در تحول طی دوران میجی در داستان نویسنده پیش می‌آید. در طی داستان میثی دانشجوی عجیب‌وغریب و فضل‌فروش،

ناتسومو سوزکی، نویسنده و شاعر ژاپنی در ۹ فوریه ۱۸۶۷ در محله اوشی‌کومه توکیو به دنیا آمد. این رمان نویس گذر ژاپن به‌سوی مدرنیته را در دوره میجی، دورانی ۴۵ ساله از تاریخ ژاپن که در آن امپراتور میجی قدرت را در دست داشت، به تصویر می‌کشد. سوزکی کودکی ناخوابسته بود

از مادری سالخورده که او را نپذیرفت و در ۲ تا ۹ سالگی به زوج خدمتکاری سپرده شد. در بازگشت به خانه بار دیگر از سوی پدر طرد شد تا زمان مرگ مادرش در سال ۱۸۸۱، زمانی که او تنها ۱۴ سال داشت. در مدرسه این نویسنده به ادبیات چین علاقه‌مند شد و به‌تدریج خود را برای نوشتن آماده می‌کرد، اما هنگامی که در سپتامبر ۱۸۸۴ وارد دانشگاه توکیو شد، به اجبار به تحصیلات معماری و هم‌زمان یادگیری انگلیسی پرداخت. سوزکی در ۱۸۸۷ ماساوا کاشیکی را ملاقات کرد که او را به سمت نوشتن سوق داد و به سرودن هایکو تشویق کرد. در ۱۸۹۰ وارد دبیرت‌مان انگلیسی توکیو شد و مدرکش را در ۱۸۹۲ دریافت کرد. در طول مدت تحصیلش چندین مقاله، به‌ویژه راجع به شاعران انگلیسی و رمان تریسترام شانلندی از لورنس اشترن نوشت.

در سال ۱۸۹۳ تدریس را آغاز کرد. در ۱۸۹۵ در شهر ماتسویاما پرفیسور نام گرفت و تجربیاتش ۱۰ سال بعد در نوشتن رمان بوتچان به یاری‌اش آمدند و سپس در ۱۸۹۶ به مدت ۴ سال برای زندگی و تدریس به کوماموتو رفت. دولت ژاپن از اکتبر ۱۹۰۰ تا ژوئیه ۱۹۰۳ از او برای تحصیل به انگلستان فرستاد اما به دلیل مشکلات مالی، بیشتر خود را در خانه حبس می‌کرد و زمانش را به کتاب خواندن می‌گذراند. در این مواجهه با غریب، سوزکی متون بسیار متنوعی را که از تجربیات اقامتش در لندن حکایت می‌کرد، از خود به‌جا گذاشت. برخی از وقایع تاریخی وام گرفته شدند و بقیه به‌ویژه در حوزه طنز زاینده‌ستند.

از ۱۹۰۷ فراداری برای نوشتن در روزنامه بزرگ توکیو، انجمن شیمون بست که آثار بسیاری را در آن به رشته تحریر برد آورد. نخستین کتابش «من یک گربه هستم»، در سال ۱۹۰۵ منتشر شد. این رمان آمیخته با طنز از نگاه ساده گربه‌ای پرشور در خانه یک دانشمند جامعه ژاپن می‌پردازد. می‌شود. این اثر خیلی زود به موفقیت‌های بزرگی دست یافت. همان‌طور که سال بعد رمان بوتچان شهرت یافت. سفر دوم، او را به منچوری برد که آن‌زمان تحت‌سلطه ژاپن بود و سپس از سپتامبر تا اکتبر ۱۹۰۹ به کره رفت. سوزکی از طرف یکی از دوستانش که پیست کلیدی در اداره مربوط به مستعمرات داشت، دعوت شد و همان سال بود که تمام کشور را زیر پا گذاشت.

از سال ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۰ سه‌گانه «سانشیرو، سوره‌کارا و مون» را نوشت. از ۴۵ سالگی به بعد سلامتی سوزکی به‌سرعت رو به افول گناشت. به سختی از منزل خارج می‌شد، به اعمال مذهبی که سکوتن کبوشی نام داشت و به پایه بی‌اعتنایی به خود بود، نزدیک شد اما با وجود بیماری‌اش، او به نوشتن رمان و داستان کوتاه ادامه داد. رنج این نویسنده در نوشته‌هایش احساس می‌شود - با کاراکترهایی که اغلب اتوبیوگرافیک هستند - و همچنین در تصویر چیزهایی که به‌خاطر می‌آورم. او در ۹ دسامبر ۱۹۱۶ (۱۹۱۶-۱۲-۰۹) بر اثر زخم‌همه در توکیو درگذشت و آخرین رمانش را با نام سایه‌روشن ناتمام‌رها کرد.

از دیگر آثار او می‌توان به «ترانه‌های چوب، بالش چمن، دوپست‌دهمین روز، کارگر معدن، تندبادهای پاییز، ده رؤیا، قصه‌های کوتاه بهار، سانشیرو، چیزهایی که به خاطر می‌آورم، تمدن مدرن ژاپن، توقف در منچوری و کره، روز آغاز پاییز، مسافر یارمردی که می‌رود» اشاره کرد. هایکوهای او در ژاپن بسیار معروف هستند: